



راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان با استعداد



جعفر محمودی، کارشناس ارشد مشاوره شغلی
علی قره‌داغی، دانشجوی دکتری مشاوره

چکیده

مقاله حاضر به بررسی راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان با استعداد در حوزه‌های فردی، اجتماعی و آموزشی می‌پردازد. هدف اصلی برنامه راهنمایی و مشاوره آموزشی رشد و شکوفایی استعدادها، کسب موفقیت در تحصیل و طرح‌ریزی شغلی موفق چنین دانش‌آموزانی است. نیل به این هدف مستلزم شناسایی، بررسی و بسترسازی مطلوب با ارائه اطلاعات و آگاهی‌های لازم و برنامه‌های جامع راهنمایی و مشاوره است و چنانچه این چرخه به درستی دنبال شود، برون‌داد حاصل، مطلوب خواهد بود. در این نوشته، حوزه‌های متنوع مفهوم استعداد، استانداردها و اهداف مشاوره‌ای و به دنبال آن، نیازهای دانش‌آموزان با استعداد مورد بحث قرار گرفته و در نهایت، مدل‌های مشاوره‌ای جهت رشد و شکوفایی هرچه بهتر استعدادهای دانش‌آموزان با استعداد ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: دانش‌آموزان، استعداد، راهنمایی، مشاوره.

مقدمه

کلمه استعداد^۱ ریشه لاتین دارد و به معنای رغبت، تمایل، اشتیاق و آرزوست. کاربرد اولیه آن در مفهوم معاصر، داشتن توانایی طبیعی یا بهره‌مندی ذهنی است. طبق واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد، از سال ۱۶۰۰ این کلمه در معنای امروزی آن به کار رفته است. با استعداد بودن یعنی مهارت در خوب انجام دادن بعضی کارها. یکی از پیش‌گامان متخصص در امر نیازهای راهنمایی و مشاوره تحصیلی کودکان با استعداد تحصیلی، نیکلاس کولانجو است. وی در مقاله‌ای با عنوان «مشاوره دانش‌آموزان سرآمد» تاریخچه توجه به نیازهای مشاوره دانش‌آموزان با استعداد تحصیلی را از مطالعه ترمن تاکنون دنبال می‌کند.

لتا هالینگ ورث (۱۹۴۲-۱۹۲۶) نخستین کسی بود که تشخیص داد افراد با استعداد تحصیلی نیازهای عاطفی و اجتماعی خاصی دارند و اعتقاد داشت که به کمک مشاوره می‌توان پاسخ‌گوی این نیازها بود (گلشنی و همکاران، ۱۳۸۵).

بازبینی ادبیات

آموزش دانش‌آموزان با استعداد اغلب مبتنی بر تحقیق و پژوهش درباره نیازهای آنان و کارآمدی خدمات آموزشی ویژه است. البته درباره انواع خدمات مشاوره‌ای که بتواند منافع زیادی در رشد استعدادهای ویژه این دانش‌آموزان داشته باشد دانش اندکی وجود دارد. بخش اعظم ادبیاتی که در زمینه مشاوره دانش‌آموزان با استعداد وجود دارد، بالینی است تا تجربی، و آن شامل گزارش‌هایی است که برخی روان‌شناسان بالینی براساس تجاربشان در به‌کارگیری استراتژی‌های خاص مشاوره‌ای با دانش‌آموزان با استعداد ارائه

برنامه‌ رهنمایی و مشاوره یکی از بخش‌های اساسی برنامه آموزش کلی مدارس است که از طریق تمرکز بر نیازها، علایق و برایندهای مرتبط با مراحل مختلف رشد دانش‌آموزان عملیاتی می‌شود



داده‌اند. همچنین، بیشتر این ادبیات در کتاب‌ها یا مجله‌هایی در خارج از حوزه آموزش چنین دانش‌آموزانی منتشر شده است (سیلورمن^۲، ۱۹۹۳؛ وانتالز - باسکا^۳، ۱۹۹۰؛ وب و دوریس^۴، ۱۹۹۳ به نقل از سیدنی، ۲۰۰۴).

■ استانداردهای برنامه رهنمایی و مشاوره

انجمن مشاوران مدرسه آمریکا^۵ هدف از برنامه مشاوره در مدارس را تشویق و تسهیل فرایند یادگیری بیان می‌کند.

هدف از برنامه مشاوره توانمندسازی همه دانش‌آموزان برای کسب موفقیت در مدرسه و توسعه مشارکت اعضاء در جامعه خود است برنامه استاندارد ملی مشاوره مدرسه، به دنبال تسهیل رشد دانش‌آموزان در سه زمینه است: رشد آموزشی، رشد شغلی و رشد فردی - اجتماعی. استانداردها، رهنمایی، هدایت و چارچوبی برای منطقه، سیستم مدرسه و افراد فراهم می‌آورد تا برنامه‌های مشاوره‌ای مؤثر در مدرسه را افزایش دهند. ۹ استاندارد - ۳ مورد در هر حوزه وسیع - در زیر توصیف می‌شوند.

۱. رشد آموزشی: اجرای فعالیت‌ها و استراتژی‌هایی که یادگیری دانش‌آموزان را حمایت می‌کند و افزایش می‌دهد و شامل کسب مهارت‌ها، نگرش‌ها و دانش برای یادگیری مؤثر و به کارگیری استراتژی‌هایی جهت کسب موفقیت در مدرسه و درک ارتباط آموزش‌ها با نیاز کار و زندگی در خانه و مدرسه است.

استاندارد A: دانش‌آموزان نگرش‌ها، دانش و مهارت‌هایی را کسب خواهند کرد که به آن‌ها برای یادگیری مؤثر در مدرسه و در طول چرخه زندگی کمک می‌کند.

استاندارد B: مدرسه از طریق آموزش‌های ضروری دانش‌آموزان را برای انتخاب بین حوزه‌های انتخابی گسترده بعدی - شامل رفتن به دانشگاه - آماده می‌سازد.

استاندارد C: دانش‌آموزان رابطه آموزش‌ها با

دنیای کار و زندگی در خانه و مدرسه را درک خواهند کرد.

۲. رشد شغلی: توانمندسازی دانش‌آموزان برای انتقال موفقیت‌آمیز از مدرسه به دنیای کار شامل استراتژی‌هایی برای کسب موفقیت شغلی در آینده و رضایت شغلی، پرورش درک رابطه بین ویژگی‌های شخصی، آموزش و یادگیری و دنیای کار و رشد اهداف شغلی به وسیله تمام دانش‌آموزان به عنوان نتیجه آگاهی شغلی و فعالیت‌های علمی و تجربی است.

استاندارد A: دانش‌آموزان برای تحقیق در دنیای کار در رابطه با دانش خود مهارت‌هایی کسب خواهند کرد تا براساس آن‌ها تصمیمات شغلی آگاهانه اتخاذ کنند.

استاندارد B: دانش‌آموزان برای به دست آوردن آینده شغلی موفق و رضایت‌بخش استراتژی‌هایی را به کار خواهند گرفت.

استاندارد C: دانش‌آموزان رابطه بین ویژگی‌های شخصی، آموزش و یادگیری، و دنیای کار را درک خواهند کرد.

۳. رشد شخصی - اجتماعی: فراهم آوردن پایه‌ای برای رشد فردی و اجتماعی جهت موفقیت شغلی و آمادگی برای آموزش‌هایی شامل کسب مهارت‌ها، نگرش‌ها و دانش که به دانش‌آموزان کمک می‌کند به خود و دیگران احترام بگذارند، از مهارت‌های بین فردی مؤثر برخوردار باشند، امنیت شغلی و مهارت‌های ماندگار داشته باشند، افرادی متعهد و مؤثر برای جامعه خود باشند و توانایی برای گفت‌وگوی مؤثر و سالم در دنیای پیچیده و متنوع قرن ۲۱ را داشته باشند.

استاندارد A: دانش‌آموزان نگرش‌ها، دانش و مهارت‌های بین فردی را کسب خواهند کرد تا به آن‌ها در درک و احترام به خود و دیگران یاری کند.

استاندارد B: تصمیم‌گیری و تنظیم اهداف و مشخص کردن فعالیت‌های لازم برای رسیدن به اهداف.

استاندارد C: دانش‌آموزان مهارت‌های سالم و اساسی را درک خواهند کرد.

استانداردهای ملی برای برنامه‌های مشاوره مدرسه، به مشاوران مدرسه، مدیران مدرسه و ناحیه، کارکنان و معلمان، والدین، استادان مشاور، انجمن‌های محلی، شرکت‌ها، جامعه و سیاستمداران کمک می‌کند تا برنامه‌های مشاوره مدرسه‌ای مفیدی برای تمام دانش‌آموزان فراهم سازند (کرانتو^۶، ۲۰۰۱).

برخی از اهداف اساسی برنامه رهنمایی و مشاوره آموزشی شامل موارد زیر است.

۱. فراهم کردن موقعیتی برای شناخت توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان

۲. کمک به دانش‌آموزان، همگام با توسعه مسائل و مشکلات

۳. مشارکت برای رشد برنامه‌های آموزشی

۴. آماده‌سازی معلمان

۵. فراهم کردن سازگاری متقابل میان دانش‌آموزان و مدرسه

برنامه رهنمایی و مشاوره یکی از بخش‌های اساسی برنامه آموزش کلی مدارس است که از طریق تمرکز بر نیازها، علایق و برایندهای مرتبط با مراحل مختلف رشد دانش‌آموزان عملیاتی می‌شود. حوزه برنامه رهنمایی و مشاوره در مدارس امروزی شامل اجزای زیر است:

الف) فردی - اجتماعی: در کل، جهت فراهم ساختن خدمات رهنمایی برای همه دانش‌آموزان، انتظار می‌رود که مشاوران، مشاوره فردی و بحرانی انجام دهند و مسائلی از قبیل انزوای، سوء استفاده دائمی، خودکشی، رفتار جنسی غیرمسئولانه، اختلالات و... شناسایی شوند.

ب) آموزشی: دانش‌آموزان باید مهارت‌هایی را که به آنان در یادگیری کمک می‌کند، توسعه دهند. مشاور از طریق فعالیت‌های رهنمایی کلاسی، مشاوره فردی و گروهی در به کارگیری مهارت‌های مطالعه مؤثر، تنظیم اهداف، یادگیری مؤثر و کسب مهارت‌ها می‌تواند دانش‌آموزان را یاری کند. مشاوران همچنین ممکن است بر تمرکز حواس، مدیریت زمان، تکنیک‌های

اصطلاح «دانش آموز باهوش و بااستعداد» یعنی بچه‌ها و نوجوانانی که شواهدی مبنی بر بالا بودن توانایی عملکردی در زمینه‌هایی از قبیل هوش، خلاقیت، هنر، توانایی رهبری دارند



انتخاب کتاب و علایق زیباشناختی، کودکان دارای هوش‌بهر بالا از همسالان خود متفاوت و علایقی مشابه با علایق کودکان بزرگ‌تر را دارند. ۴. رسش شخصیت؛ به نظر می‌رسد که کودکان دارای هوش‌بهر بالا از همسالان خود پخته‌تر باشند.

۵. به لحاظ موضع کنترل و به عبارتی وجود انگیزش بیرونی یا درونی برای پیشرفت، کودکان مستعد صرف‌نظر از هوش‌بهر، عموماً سائق‌ها و انگیزه‌هایی درونی دارند؛ به‌ویژه در حیطه‌هایی از استعداد نظیر موسیقی، ریاضیات و هر حوزه‌ای که مطالعه عمیق می‌طلبد.

۶. جوانان بااستعداد تحصیلی از نظر اجتماعی از جمعیت عمومی درون‌گرا تر هستند (گلشنی و همکاران، ۱۳۸۵).

برنامه‌رهنمایی و مشاوره بخشی از حمایت جامع همه دانش‌آموزان است. در حالت کلی، این‌گونه برنامه‌ها بر برنامه آموزشی، فردی و رشد شغلی - حرفه‌ای متمرکزند. با وجود این، دانش‌آموزان بااستعداد به خدماتی برای تکمیل برنامه کلی‌شان نیاز دارند؛ چرا که این دانش‌آموزان دارای نیازها و ویژگی‌های متفاوتی هستند. نیازهای ویژه دانش‌آموزان بااستعداد تحصیلی در خارج از دوره رشد شناختی و به دور از صحنه اجتماعی و الگوی رشدشان است. آن‌ها همچنین نیاز دارند که با ویژگی‌های عاطفی‌شان از قبیل احساس اوج، آرمان‌گرایی، انگیزه غیرمعمول برای برتر بودن و غیره در تطابق باشند. برنامه‌رهنمایی و مشاوره باید جوابگوی رشد سالم چنین نیازهایی باشد. برخی از مشکلاتی را که از ویژگی‌های عاطفی دانش‌آموزان بااستعداد تحصیلی سربر می‌آورد، در حوزه‌های زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

- فردی؛ سردرگمی درباره معنای باهوشی، احساس متفاوت بودن، خودسنجی و کمال‌گرایی سرسختانه، مشکل در انتخاب از میان علایق گوناگون.

- آموزشی؛ کلنجار رفتن با تکالیف درسی، خودداری از انجام دادن کارهای روزمره و تکالیف

۳. تعهد به انجام وظیفه در سطح بالا شامل: هیجان‌مداری، پشتکار، قدرت تحمل، کار سخت، تمرین ویژه، ظرفیت برای علایق سطوح بالا، اشتیاق، گیرایی و شیفتگی و درگیری در زمینه مطالعه یا شکلی از شور و اشتیاق انسانی، اعتماد به نفس و عقیده در توانایی برای انجام دادن کار مهم، توانایی در شناخت مسائل مهم و حفظ رشد رو به جلو در درون حوزه‌های علایق، قرار دادن استانداردهای بالا برای یک کار.

تعهد در انجام وظیفه و خلاقیت زمینه‌هایی هستند که مشاوران و معلمان می‌توانند آن‌ها را در برنامه‌های آموزشی بگنجانند و با استفاده از زمینه‌های علایق و حوزه‌های متنوع تشویق تجارب به آن‌ها جامعه عمل ببوشانند.

بچه‌های باهوش و بااستعداد آن‌هایی هستند که توانایی توسعه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را دارند و آن‌ها را به عنوان زمینه بارزش بالقوه‌ای از عملکرد انسانی به کار می‌برند. جهت رشد توانمندی‌ها، تعامل میان ابعاد سه‌گانه مذکور لازم است و این نیازمند ایجاد فرصت‌های آموزشی در حوزه وسیع و خدماتی است که از طریق برنامه‌های ساختاری منظم و نه ابتدایی فراهم می‌شود (هامامتو، ۲۰۰۷).

ویژگی‌های روانی - اجتماعی نوجوانان بااستعداد تحصیلی

جانوس و رابینسون پژوهش‌هایی را که تا سال ۱۹۸۵ توسط انجمن روان‌شناسی آمریکا صورت گرفته بود، جمع‌بندی کرده و به نتایج زیر دست یافتند:

۱. کودکانی که هوش‌بهر بالایی دارند، در شناخت اجتماعی عموماً رسش بیشتری را نسبت به همسالان خود نشان می‌دهند.

۲. به لحاظ رشد اخلاقی، براساس مطالعاتی که توسط معماهای اخلاقی کلبرگ صورت گرفته، به نظر می‌رسد که نوجوانان دارای هوش‌بهر بالا، از نوجوانان معمولی دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی پیشرفته‌ترند.

۳. به لحاظ علاقه‌مندی‌ها و سرگرمی‌هایی چون

حافظه، فنون آرام‌سازی، غلبه بر اضطراب امتحان و توسعه مهارت‌های گوش‌دادن تمرکز کنند.

پ) شغلی: طرح‌ریزی برای آینده، غلبه بر کلیشه‌های شغلی و مهارت‌های تحلیلی و علایق برخی از اهداف دانش‌آموزان هستند که باید در مدرسه رشد یابند. اطلاعات شغلی باید در دسترس دانش‌آموزان قرار گیرند و نمونه‌هایی از مشاغل و صنعت در ارتباط نزدیک با مدرسه باشند و مشاوران باید در آماده کردن دانش‌آموزان برای دنیای کار آمادگی لازم را داشته باشند (کولی، ۲۰۱۰؛ کوی، ۲۰۰۴؛ به نقل از لانبورگ، ۲۰۱۰).

تعریف دانش‌آموزان بااستعداد

اصطلاح «دانش‌آموز باهوش و بااستعداد» یعنی بچه‌ها و نوجوانانی که شواهدی مبنی بر بالا بودن توانایی عملکردی در زمینه‌هایی از قبیل هوش، خلاقیت، هنر، توانایی رهبری دارند که نیازمند خدمات و فعالیت‌هایی ویژه می‌باشند که این مهم از طریق مدارس به منظور رشد چنین توانمندی‌هایی فراهم می‌شود (جاکوب، ۱۹۹۴).

حوزه‌های سه‌گانه مفهوم باهوشی

باهوشی شامل تعامل سه‌گانه ویژگی‌های انسانی زیر است:

۱. توانایی سطح بالا شامل: کاربردی کردن ترکیبات مختلف توانایی‌های کلی از قبیل تفکر انتزاعی، استدلال عددی، حافظه و... به زمینه‌های خاص دانش یا عملکرد، توانایی یادگیری و استفاده مناسب از دانش پیشرفته، تکنیک‌ها و استراتژی‌ها، تمایل بالا به بیش‌آموزی و پایداری کلی در مجموعه‌ای از ویژگی‌ها.

۲. خلاقیت سطح بالا شامل: شیوایی، انعطاف‌پذیری و نوآوری در تفکر، باز بودن برای تجربه، پذیرش اعمال و تفکرات متفاوت و جدید (وقایع غیرمعمول)، جدیت، اندیشمندی، ماجراجویی و بازیگوشی روانی، آمادگی برای ریسک‌پذیری در تفکر و عمل، حساسیت به جزئیات، و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی در عقاید و اشیا.

برنامه راهنمایی و مشاوره باید رشد عاطفی دانش آموزان را به منزله نقطه شروعی برای فراهم آوردن خدمات متمایز جهت ارضای نیازها و حل مشکلات بی نظیر چنین دانش آموزانی مدنظر قرار دهد



کج رفتاری، ناسازگاری، اضطراب، گوشه گیری، بی توجهی، خستگی، عدم اعتماد و عدم بلوغ اجتماعی، که در عده‌ای از این افراد گزارش شده است، مربوط به ضعف محرکات و انگیزه‌های محیطی و اجتماعی دانسته شده و عصبانیت با هم کلاسی‌ها اغلب مربوط به عدم درک آنان گزارش شده است. آگاهی از خصوصیات جسمانی، عاطفی، اجتماعی و سوابق خانوادگی این افراد صرف نظر از اینکه ممکن است ما را به عوامل مساعدکننده و علت مستعدبودن این افراد نزدیک کند، مسلماً در نگهداری و آموزش و پرورش این دسته از کودکان کمک شایانی به مسئولان آموزش و پرورش، روان‌شناسان و روان‌پزشکان خواهد کرد (میلاتی فر، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

■ نیازهای مشاوره‌ای

چنانچه در بالا اشاره شد، در ادبیات مربوط به نیاز برای خدمات مشاوره‌ای ویژه برای دانش آموزان تناقضاتی وجود دارد. از یک طرف، روان‌شناسان بالینی، کسانی که با دانش آموزان

با سایر همسالان، ارزش گذاشتن به فردیت آن‌ها و تفاوت‌های فردی‌شان با دیگران.
- توسعه مهارت‌های اجتماعی که آن‌ها را در سازگاری مؤثر در روابطشان یاری می‌دهد.
- ارزیابی واقع‌بینانه از توانایی‌ها و استعداد‌های آنان و چگونگی پرورش این موارد.
خدمات راهنمایی و مشاوره برای دانش آموزان بااستعداد باید در طول سال‌های مدرسه ارائه شود. همانند آنچه برای دانش آموزان دیگر در نظر گرفته می‌شود، جهت ارائه این گونه خدمات به دانش آموزان بااستعداد تحصیلی باید برنامه‌ریزی شود و برای این کار تیم ویژه‌ای شامل مشاوران، معلمان، مدیران و والدین پیشنهاد می‌گردد. جهت کارایی بیشتر، هر فردی که با دانش آموزان بااستعداد و باهوش کار می‌کند باید یک یا چند کارکرد مؤثر به عنوان قسمتی از برنامه راهنمایی و مشاوره داشته باشد: راهنما/ مشاور، تسهیل‌کننده، گوش‌دهنده، مدافع، معلم و نقش یک الگو (هامامتو، ۲۰۰۷).

تکراری، احساس شایستگی افراطی و ناهمسانی. - اجتماعی؛ نارسایی در درک دیگران، کناره‌گیری از همتایان، مشکل در ارتباطات اجتماعی، مخفی نگه‌داشتن استعداد خود برای ایجاد تناسب با همتایان، خصومت و رنجش از دیگران به‌خاطر توانایی‌هایشان.
برنامه آموزشی برای دانش آموزان بااستعداد و باهوش، تشخیصی جهت رفع نیازهای آموزشی مبتنی بر رشدشناختی دانش آموزان است. به بیان دیگر، برنامه راهنمایی و مشاوره باید رشد عاطفی دانش آموزان را به منزله نقطه شروعی برای فراهم آوردن خدمات متمایز جهت ارضای نیازها و حل مشکلات بی نظیر چنین دانش آموزانی مدنظر قرار دهد. با توجه به موارد و مشکلات احتمالی لازم است معلمان و مشاوران نیازهای یاد شده را شناسایی کرده و در طراحی برنامه‌های آموزشی ویژه لحاظ کنند. مداخلاتی نیز می‌توانند در حوزه‌های زیر صورت بگیرند:
- تبیین روش‌ها و شیوه‌هایی به منظور درک و تشخیص نقاط متمایز و مشابه این دانش آموزان

شناخت ویژگی‌های فردی، اجتماعی و عاطفی این دانش‌آموزان و به دنبال آن، آگاهی از مشکلات و تنگناهای فراروی این نسل، ارائه اطلاعات مناسب در حوزه‌های آموزشی، عاطفی و فردی و کسب مهارت‌های لازم را ممکن می‌سازد

و این به نوبه خود بستر لازم را برای رشد و ترقی دانش‌آموزان بالاستعداد در زمینه‌های مختلف فراهم می‌آورد.

از قدیمی‌ترین آن‌ها در این مجموعه، مدلی را برای مشاوران مدارس فراهم می‌آورد تا در کار با والدین دانش‌آموزان بالاستعداد به کار گیرند (کلنگلو و دتمن، ۱۹۸۱). مدل حاضر به بازبینی ادبیات اولیه بر نیازهای والدین دانش‌آموزان بالاستعداد مبتنی است. کلنگلو و دتمن (۱۹۸۳) رویکردهای سه‌گانه‌ای را توصیف می‌کنند که مشاوران مدارس می‌توانند در کمک به والدین و دانش‌آموزان با استعداد به کار گیرند: رویکرد والدین محوری، رویکرد مدرسه‌محوری و رویکرد مشارکتی. آن‌ها از بین این مدل‌ها، رویکرد مشارکتی را پیشنهاد می‌کنند؛ زیرا این مدل نسبت به دو مدل دیگر مزیت‌ها و توانمندی‌هایی دارد و مسئولیت‌پذیری پایداری برای بهزیستی دانش‌آموزان بالاستعداد به همراه می‌آورد. اگرچه این مدل به صورت تجربی قابل آزمایش نیست، با وجود این حس درونگری/شهوهی را ممکن می‌سازد و دارای اعتبار است؛ چرا که راهنمایی کلی برای مشاوران مدارس فراهم می‌سازد تا دریابند که چگونه می‌توانند همکاری مدرسه - والدین را ایجاد کنند (به نقل از سیدنی، ۲۰۰۴).

بی‌نوشت

1. aptitude
2. Silverman
3. Vantassel-Baska
4. Webb & Devries
5. American School Counselor Association
6. Craneotto
7. Juckson & Peterson
8. Mahoney
9. Mendaglio
10. Kaufmann & Kastellanos
11. Buescher
12. Dettman & Colangelo
13. Betts & Kercher

منابع

۱. پیرتا، جین، رشد و آموزش کودکان و بزرگسالان بالاستعداد، مترجمان: فاطمه گلشنی و نیره دلالی، چاپ اول، تهران، نشر روان، ۱۳۸۵.
۲. میلانی‌فر، بهروز؛ روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی، چاپ هجدهم، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۶.
3. Craneotto, Christine N. An evaluation of school counseling program at Stillwater: area schools in Stillwater, Minnesota. American Psychological Association (APA) publication Manual (2001).
4. Jacob K. Javits. Gifted and Talented student education (1994).
5. Hamamoto, Patricia. Program Guide for gifted and talented. Office of curriculum instruction & student support. Instructional services Branch department of education, state of Hawaii (2007).
6. Lunenburg, Fred C. School guidance and counseling services. Journal of schooling. N.1.V.1 (2010).
7. Sidney M. Moon. Social and emotional Issues, underachievement, and counseling (2004).

بالاستعداد و خانواده‌هایشان کار می‌کنند، گزارش می‌کنند که چنین دانش‌آموزانی در شناسایی جهت‌گیری‌های مربوط به باهوشی از قبیل رشد هویت، استعداد‌های بالقوه متنوع، کمال‌گرایی، درون‌پیچیدگی، روابط با هم‌تایان و حساس بودن به راهنمایی و کمک نیاز دارند (جکسون و پترسون^۷، ۲۰۰۳؛ ماهونی^۸، ۱۹۹۷؛ منداگیلیو^۹، ۲۰۰۳؛ پترسون، ۲۰۰۳؛ سیلورمن، ۱۹۹۳).

همچنین برخی شواهد بالینی مؤید این مدعا هستند که باهوشی، برخی از نشانگان مشکلات سلامت روان، از قبیل اختلالات افسردگی و رفتاری، را دارد (جکسون و پترسون، ۲۰۰۳؛ کافمن و کاستلانوس^{۱۰}، ۲۰۰۰). از طرف دیگر، چنانچه قبلاً ذکر شد، از مطالعاتی که به‌طور کلی دانش‌آموزان بالاستعداد را با دانش‌آموزان معمولی در متغیرهای تأثیرگذار مقایسه می‌کند، چنین دریافت می‌شود که دانش‌آموزان بالاستعداد در این متغیرها هم‌پوشی بالایی دارند (به نقل از سیدنی، ۲۰۰۴).

■ مدل‌های مشاوره‌ای

آثار و ادبیات به‌جا مانده از نوشته‌ها در این حوزه، مدل‌های مبتنی بر تجربه بالینی را پیشنهاد می‌کنند (باسچر^{۱۱}، ۱۹۸۷؛ دتمن و کولانگلو^{۱۲}، ۱۹۸۰). در این بخش به دو نمونه از این مدل‌ها اشاره می‌شود. یکی از مدل‌ها پیشنهاد می‌کند که متمایزسازی برنامه آموزشی مؤثر می‌تواند به نوجوانان بالاستعداد در شناسایی موضوعات چهارگانه اساسی شامل رشد نوجوان، استرس و هویت، روابط، و رشد شغلی کمک کند (بوسچر، ۱۹۸۷). این رویکرد آموزش مؤثر تداعی‌کننده این مدل است که یادگیرنده در یک یا چند بعد آزادی عمل داشته باشد (بت و کرچر^{۱۳}، ۱۹۹۹؛ بت، ۱۹۸۵).

هدف این است که به دانش‌آموز بالاستعداد کمک شود تا خودش را بشناسد و استعداد شخصی خویش را رشد دهد و این از طریق برنامه‌های مؤثر و جامع، که رشد اجتماعی، هیجانی و شخصی افراد بالاستعداد را تقویت می‌کند، میسر می‌گردد (به نقل از سیدنی، ۲۰۰۴). ادبیات دیگر و یکی